

یادداشت

اقتضای طبیعتش این بود

آخرین نیش عقرب



هومن جعفری

روزنامه‌نگار

«به‌خاطر احترامی که برای سیدجلال حسینی و وریا غفوری قائل هستم، پس حالا در مورد آنها صحبت می‌کنم. اصلا چنین تصمیماتی مربوط می‌شود به تصمیم‌گیری نهایی مربیان، به‌عنوان مثال سیدحسین حسینی دروازه‌بان استقلال ۸۷۳ دقیقه گل نخورد، خب وقتی چنین رکوردی زده بود و کلین‌شیت‌های خودش را حفظ کرد، به یک‌باره با تصمیم سرمربی استقلال دیگر برای این تیم بازی نکرد که خود من هم شوکه شدم. همان طور که گفتیم چنین مواردی به تصمیمات مربیان مربوط می‌شود، ولی بازیکنان دیگری هم هستند که چنین اتفاقی‌هایی برایشان رخ می‌دهد. در مورد وریا غفوری هم باید بگویم که هیچ مربی‌ای به اندازه من وریا را نمی‌شناسد و بنده این اختیار را برای خودم قائل هستم که در مورد این بازیکن صحبت کنم چون قبل از اینکه وریا خواهد به استقلال برود من این بازیکن را به تیم ملی دعوت کردم.»

در آن زمان وریا غفوری دفاع راست بسیار خوبی بود و بنده بیش از یک ماه پیش او را صدا کردم و به او گفتم پسر ما در تیم ملی نیازی به وینگر راست نداریم، تو باید در دفاع راست بازی کنی. چون بازیکنانی مثل علیرضا جهانبخش، کریم انصاری فرد و قلی‌زاده در وینگر راست هستند و من چنین نفراتی را در این پست دارم. من به وریا تاکید کردم که در تیم ملی به یک دفاع راست محکم نیاز دارم اما وقتی در تیم استقلال او را به تصمیم وینفرد شفر او از پست دفاع راست به هافبک راست تبدیل می‌شود این دیگر به سرمربی این تیم برمی‌گردد. نمی‌دانم چگونه شفر از عدم دعوت وریا غفوری به تیم ملی سورپرایز شده است. وقتی در تیم خودش اعتقادی ندارد که در دفاع راست او وریا استفاده کند و پست او را تغییر می‌دهد چگونه سورپرایز می‌شود؟!»

این دیگر تهنش بود. آخرین نیشی که باید قبل از رفتنش می‌زد و آنهم به چه کسی؟ به وینفرد شفر بزرگ‌ترین حامی او در چندماه گذشته. مردی که بارها در دفاع از کی‌روش مصاحبه و نخستین نفری بود که برای تیم ملی بیانیه حمایتی صادر کرد و تنها مربی شاغل در فوتبال ایران به حساب آمد که در بازی آخر به ورزشگاه رفت تا تیم ملی را بدرقه کند. در چنین شرایطی و با چنین حرف‌هایی بود که کارلوس کی‌روش زهر آخر را ریخت و رفت. حالا وینفرد شفر هم به باشگاه زخم خوردن آقای کی‌روش اضافه شده. به کسانی که زخم خنجر مرد پرتغالی روی صورت آنها به یادگار می‌ماند. به باشگاه زخم‌خورده‌ها خوش آمدی وینفرد.

اما پاسخی به سخنان آقای کی‌روش. اول اینکه شما کریم انصاری فرد را به‌عنوان یک مهاجم یا حتی وینگر، به خط میانی تیمت بردی یا نبردی؟ اگر در جام جهانی انصاری فرد در تیم ملی هافبک میانی بازی کند، باشگاه‌های کوچک و بزرگ دنیا باید بگویند: ببخشید، وقتی سرمربی تیم ملی ایران به انصاری فرد به‌عنوان مهاجم اعتقاد ندارد، چرا ما به‌عنوان مهاجم دعوتش کنیم؟ وریا غفوری بازیکن جناح راست است. می‌تواند دفاع راست باشد یا گوش راست. توان نفوذ و توان دفاع را دارد. بیشتر از رامین رضاییان که آمار بازی کردنش در تیم بلژیکی بسیار پایین و کمتر از حد انتظار بوده. نیاز تیمی و تفکرات آقای شفر به گونه‌ای بوده که وریا به خط میانی اضافه شده و اتفاقا خوش هم درخشیده. شمایمی که به قول خودت او را قبل از پیوستن به استقلال، به تیم ملی دعوت کرده بودی قطعا می‌دانستی او چقدر توانایی دارد. چرا باید با چنین حرف خنده‌داری خط‌خوردنش را گردن مربی بیندازی؟ و چرا به‌عنوان سرمربی به شفر تنگنی؟ چرا به بازیکن گفتمی که به مربی باشگاهش بگوید؟ شما مربی تیم ملی بودی و اولین وظیفه‌ات برقراری ارتباط با مربیان باشگاهی است تا چنین سوءتفاهم‌هایی رخ ندهد.

نکته بعدی. فرمودی که حسینی عالی بود و بعد نیمکت‌نشین شد و من نتوانستم دعوتش کنم. رامین رضاییان نیمکت‌نشین بود. چرا دعوت شد؟ خانزاده نیمکت‌نشین بود. چرا دعوت شد؟ دژا که به اصلا تیم نداشت چرا دعوت شد؟ حسینی امسال ۸۷۳ دقیقه کلین‌شیت داشته و دو برابر این هم بازی کرده. عابدزاده کجا بوده؟ او چقدر بازی کرده؟ او چقدر کلین‌شیت داشته؟ بیرانوند چقدر کلین‌شیت داشته؟ مظاهری چقدر؟ حالا اینکه حسینی و غفوری تصمیم بگیرند فرب این بازی کی‌روش را بخورند رانمی‌دانیم اما شفر مرد زحمات و حمایت‌هایش را از کی‌روش به‌خوبی گرفت.

تیم ملی

جوان‌سازی پای پله پرواز!



میترا ازمانی

روزنامه‌نگار

«در راستای منافع تیمی فقط با یک کلمه می‌توانم سیدجلال را توصیف کنم؛ احترام. ما در ساختمان پک، دیواری داریم که به نام ساختمان مفاخر نامگذاری شده، آن دیوار متعلق به ۶ بازیکن برتر تاریخ فوتبال ایران است، جلال یکی از آن ستون‌هایی است که در ساختمان پک و در تاریخ فوتبال ایران ثبت شده است ولی الان ما جام جهانی و در آینده جام ملت‌های آسیا را در پیش داریم. باید در چنین وضعیتی فضایی بسازیم تا نفرات جوان‌تر به تیم ملی ببینند و در آینده کمک حال مان باشند.» این هم از آن حرف‌هاست که کارلوس کی‌روش زد و باید در تاریخ سیاه‌بازی‌های رسانه‌ای مربیان فوتبال جایگاهی ویژه پیدا کند. سیدجلال حسینی سن و سن بالایی دارد. قبول. اما همین سیدجلال برای تیم ملی بهترین رکورد گل نخوردن در بازی‌های مقدماتی را ایجاد نکرد؟ همین آقای سیدجلال حسینی کاپیتان و بزرگ‌تر و لیدر خط دفاعی نبود که آقای کی‌روش هنوز دارد نانش را می‌خورد؟ چرا جلال حسینی باید تا آخرین اردو به تیم ملی دعوت شود اما پای پرواز خط بخورد! جوانگرایی پای پرواز مگر داریم؟ قرار است چه کسی را فرب به‌دیدی آقای کی‌روش؟ اشکان دژا که چند سالش است؟ مسعود شجاعی چند سالش است؟ آنها را نمی‌بردید و کامیابی‌نیا و فرشید باقری را می‌بردید که تیم جوان شود. چرا جامه جوانگرایی را فقط باید بر تن سیدجلال پرو می‌کردیم؟ اشکان و مسعود هم بودند. در خط میانی جوانگرایی برای آینده نداریم؟ جام ملت‌های آسیا فقط برای خط دفاعی است؟ بدون هافبک قرار است در این مسابقات حاضر شویم؟ این هم از آن دست صحبت‌هایی بود که کارلوس کی‌روش کرد و واقعا لیاقت این را دارد در ساختمان‌هایی که به نام مفاخر سیاه‌بازی رسانه‌ای نام‌گذاری می‌شود، نام این استاد اعظم را در صدر قرار دهند. مردی که پای پله‌های پرواز تیم ملی و بعد از نشستن اشکان دژا که و مسعود شجاعی روی صندلی فرست کلاس، تازه پادش آمده که تیم ملی باید جوان شود!

درباره لیست کارلوس کی‌روش

لج‌بازی می‌کنم پس هستم



وری‌ا غفوری



سیدجلال حسینی



کاوه رضایی

در بازی‌های مقدماتی غیر از بازی با استرالیا حضور نداشت اما نقشش حداقل در آن بازی قابل کتمان نیست. او خود را قربانی نفوذ مرکزنیسان اعلام کرد. کسان دیگری هم مثل مجید نامجومطلق، علی



منصور رشیدی

موسوی، بزرگ و فلاحت‌زاده خط خوردند اما خط خوردنشان چندان اتفاق عجیبی جلوه نکرد. در جام ۲۰۰۶ ما برای سسومین بار عازم جام جهانی شدیم. پیش از جام کریم باقری روزهای خوبی را سپری می‌کرد خیلی‌ها از برانکو خواستند که کریم را با خود ببرد. کریم بارها اعلام آمادگی کرد اما برانکو در نهایت تیموریان جوان را به او ترجیح داد. از دیگر جامانده‌های آن جام می‌توان به ایمان مبعلی و سیدمهدی رحمتی اشاره کرد. مبعلی آن سال شرایط خوبی داشت، او در جام ملت‌های آسیا ۲۰۰۴ مورد اعتماد برانکو بود اما به یک‌باره در فصل منتهی به جام جهانی از چشم



مجد نامجومطلق

برانکو افتاد. آن وقت‌ها خیلی‌ها درگیری مبعلی با دایی را عامل دور شدن او از تیم ملی می‌دانستند. در آخرین لحظات آن سال هم مهدی رجب‌زاده که امید زیادی برای رفتن به جام جهانی داشت خط خورد. لیست تیم ملی برای جام جهانی ۲۰۱۴ مناقشه



کریم باقری

برانگیخته‌تر بود. مهم‌ترین اتفاق عدم دعوت از مهدی رحمتی بود. در حالی که ما در درون دروازه به‌وضوح دچار مشکل بودیم، کی‌روش رحمتی را نخبشید و دعوتش نکرد. علی کریمی هم دعوت نشد. کریمی در بازی‌های مقدماتی کامیاب حضور داشت و نسبتاً آماده بود. اتفاق مهم دیگر کناره‌گیری یک‌باره مجتبی جباری از تیم ملی در آستانه جام جهانی بود. جباری در بازی‌های مقدماتی چهره درخشان تیم ملی بود و نقش زیادی در صعود تیم داشت. او هیچ‌گاه دربار کناره‌گیری‌اش صحبت نکرد، شاید می‌دانست که کی‌روش فوتبالی سراسر دفاعی در دستور کار دارد و در آن فوتبال جای چندانی برای او نیست. دیگر اتفاق آن لیست خط زدن محمدرضا خلتعبری بود، کسی که در بازی‌های مقدماتی حضور داشت، آماده

بود اما کی‌روش دعوتش نکرد. لیست سال ۲۰۱۸ هم شاید پرحاشیه‌ترین لیست چند دوره حضور ما در جام جهانی باشد.

مانده هم هست.

ما برای پنجمین بار است که راهی مسابقات جام جهانی می‌شویم. داستان لیست نفرات اعزامی برای ما هم داستانی پرحاشیه بوده است؛ با شایسته‌هایی که جام‌ماندند. ۱۹۷۸ آرژانتین اولین حضور ما در جام جهانی بود. تیم به رهبری حشمت مهاجرانی مسابقات مقدماتی را با اقتدار پشت سر گذاشت و امید می‌رفت که در جام جهانی بزرگی کند. تیم آن سال کمابیش جوان شده است. ظرف چهار سال نسل



روبرتو باجو

طلایی اوایل دهه ۵۰ ایران کنار می‌روند و نسل دیگری معرفی می‌شوند. همایون بهزادی، حسین کلانی، علی جباری، غلامحسین مظلومی، ابراهیم اشتیانی و خیلی‌های دیگر رفته بودند یا کنار گذاشته شدند و حالا با تجربه‌های تیم پروین، حجازی و حسن روشن هستند. مهم‌ترین حاشیه آن فهرست، حضور یا عدم حضور پرویز قلیچ‌خانی بود. بازیکنی که هیچ کس در توانایی‌های فنی‌اش تردید نداشت، همه می‌دانستند حضورش به‌لحاظ فنی تا چه اندازه مهم است، اما



علی جباری

مسائل سیاسی و ضدیت‌اش با رژیم پهلوی مانع از دعوت او شد. قلیچ‌خانی در بازی‌های مقدماتی هم حضور نداشت و در آن دوره در لیگ آمریکا بازی می‌کرد. هرچند گفته می‌شود که غیر از مسائل سیاسی، مخالفت بازیکنانی مثل پروین، حجازی و حسن روشن با دعوت شدن قلیچ‌خانی در خط‌خوردنش هم بی‌تاثیر نبوده است. دیگر غایب بزرگ فهرست منصور رشیدی است. دروازه‌بان آماده آن سال‌های استقلال که رقیب حجازی هم بود و حتی در مقطعی با درخشش باعث جدایی حجازی از استقلال شد. رشیدی در برخی بازی‌های مقدماتی هم سنگربان اصلی بود، اما در آستانه جام جهانی حشمت مهاجرانی تصمیم گرفت



پرویز قلیچ‌خانی

از او صرف‌نظر کند و بهرام مودت و رسول کریم‌کندی را همراه حجازی با خود ببرد.

لیست جام جهانی ۱۹۹۸ کمتر مجادله برانگیز بود. با اینکه فضای تیم ملی تحت‌تاثیر اخراج ایوبیچ کمی متشنج بود اما لیست تیم ملی خیلی باعث سروصدا نشد. مهم‌ترین خط‌خورده که آن روز صدایش شنیده نشد و بعدها اعتراض کرد ابراهیم تهمایی بود. تهمایی



محمد هدایتی

روزنامه‌نگار

مهم‌ترین اتفاق فوتبالی برای هرکشوری در آستانه جام جهانی، اعلام لیست نفرات اعزامی است. جام جهانی بدون تردید رویایی‌ترین اتفاق در زندگی هر فوتبالیستی است. جایی که می‌تواند شانس حضور در فستیوالی به‌راستی جهانی را داشته باشد، در فضایی نفس‌بکشد که بزرگان فوتبال در آن حضور دارند و شانس درخشش داشته باشد. در هر تیمی، عده‌ای جایشان تثبیت شده است و برخی لب مرز قرار دارند، مرز بودن یا نبودن. چه دهشتناک است استرس آن روزهای آخر. تاریخ جام‌های جهانی، تاریخ اتفاقات بزرگ درباره لیست‌ها هم هست. تاریخ کنار گذاشته شدن‌های عجیب و غریب. جام جهانی ۱۹۹۸ راه‌یادآوریدو غایبان بزرگ آن جام را. چه کسی فکر می‌کرد، اریک کانتونا که خیلی‌ها او را بزرگ‌ترین بازیکن وقت فوتبال می‌دانستند در تصمیمی عجیب از سوی امه‌ژا که کنار گذاشته شود. کانتونا پادشاه بهترین تیم آن دوران یعنی منچستر یونایتد بود. اما اریک را خط زد. وقتی از ژا که دلیل را پرسیدند، گفت: «من فقط توانایی هدایت یک تیم را دارم، با کانتونا مادو تیم می‌شدیم.» بزرگی آن اتفاق به‌قدری بود که کانتونا نه تنها از تیم ملی، بلکه کلا از فوتبال خداحافظی کرد. کانتونایی که طعم شیرین جام جهانی را نچشید، چهار سال قبل آنها در یکی از تاریخی‌ترین پل‌های آف‌های تاریخ



اریک کانتونا

فوتبال مغلوب بلغارستان و استویچکوف شده بودند و از جام بازماندند. کانتونای عصیانگر تاب خط خوردن نداشت، در جامی که در فرانسه برگزار می‌شد. نه صحبت‌های سر آلکس در اواثر کرد و نه درخواست‌های طرفداران فوتبال. فوتبال را کنار گذاشت، در کمتر از ۳۰ سالگی. آن روز بزرگ‌ترین دشمن عاشقان فوتبال امه‌ژا که بود. ژا که در آن لیست دست گل دیگری هم به آب داد. اودیوید ژینولا را هم خط زد. یکی از بهترین‌های آن وقت که در لیگ جزیره چشم‌ها را خیره کرده بود. از شناسن ژا که بود که فرانسه در خانه جام را برد و گرزه معلوم نبود چه پر سرش می‌آوردند. همان جام سورپرایز دیگری هم داشت. ژا گالو، سرمربی برزیل، تیم قهرمان جهان، تنها دو هفته مانده به مسابقات، روماریو را کنار



دیوید ژینولا

گذاشت، در حالی که او را با تیم به تورنمنت چهارجانبه پیش از جام برده بود. اشک‌های روماریو آن روز دل خیلی‌ها را به درد آورد، او بهترین بازیکن جام قلی بود و عامل اصلی قهرمانی برزیل در ۱۹۹۴. آن روز یک‌بار دیگر فهمیدیم که فوتبال چقدر بی‌رحم است. این لیست را می‌توان ادامه داد، برای جام‌های قلی و بعدی. یادمان نرفته که در ۲۰۰۲ کل فوتبال ایتالیا و جهان به‌تراپاتونی التماس کردند که باجورابا خود ببرد، باجوبی که در سن بالا کماکان همان بودای کوچک بود. اما نبرد و شاید نفرین باجوبود که کار دست ایتالیا داد. آری، تاریخ جام جهانی، تاریخ شایسته‌های به‌جا



روماریو دوسوزا فاریا

کیوسک

مینا موسوی رنوز

مارکا

خداحافظی با دو اسطوره / نیوکمپ با اینیستا خداحافظی کرد / تورس با دو گل خداحافظی کرد / لیست لوئنگی برای جام جهانی امروز منتشر می‌شود / کفش طلایی اروپا برای لیو / پایان باشکو ۸ ابدی در نیوکمپ.

آس

لادسیما! / تیم بستکبال رئال برای دهمین بار قهرمان اروپا شد / پایان لانیگادر شب خداحافظی تورس و اینیستا / کلوب: رئال در لیگ قهرمانان خونسردی عجیبی دارد / خداحافظی اینیستا با ورزشگاه خالی از تماشاگر نیوکمپ.

موندو

مرسی بابت همه چیز! / خداحافظی احساسی با اینیستا در نیوکمپ / تورس با دو گل با اتلتیکو خداحافظی کرد / خداحافظی با پای برهنه و اشک‌های غمناک / حرکت نمادین لیونل مسی برای بدرقه اینیستا / مسی فاتح کفش طلای اروپا شد.